

فراریان و ماتم زدگان سیاه‌پوش

ناصر امین نژاد

این روزها در لابلای گزارشات روزانه مطبوعات داخل کشور به انبوه مطالب تکاندهنده ای از روند رو به رشد و تزاید "انحرافات و آسیبهای اجتماعی" برمیخوریم. از آنجمله جسته و گریخته به «جدی بودن خطر معضلهائی همچون خودفروشی، اعتیاد، فقر و بی خانمانی» پرداخته شده است. برخی از روزنامه ها روی پدیده رو به گسترش و نگرانی آور دختران و زنان فراری، افزایش تن فروشی و فحشا تاکید بیشتری داشته اند.

این گزارشات در چهارچوب بسته و بشدت محدودشده مطبوعاتی جمهوری اسلامی نه به خیال گشودن پرده ای از اسرار درج شده است و می شود و نه ربطی به «عینی گرائی» رژیم دارد، تا خواسته باشند زخمی را مرهم نهند، که خود بر چرکین کردن آن اقدام کرده اند. تصادفاً این "ثواب" را برای تطهیر خود و تخطئه مسببات واقعی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی این پدیده های تباه کننده اجتماعی پی گرفته اند. تا مزورانه شان از زیر بار مسئولیت تاریخی این همه تباهیها خالی کرده باشند که خود بانی آنند.

تنها نکته قابل رؤیت و "خیر" این گزارشات و گفت و شنود های "کارشناسانه" آنست که بر سیاق «تو خود حدیث مفصل خوان از این مجمل» انبوه و گستردگی حقیقتاً نگران کننده این همه مصائب ویرانگر را نشان میدهد که در پشت پرده آن سطور و آمارهای بشدت رقیق شده، خود را نشان میدهد که مانند قطره ای از دریای واقعیات تلخ و تکاندهنده امروز جامعه در سراپرده این "شیفتگان خدمت" خود نمائی میکند.

تن فروشی و فحشا که این روزها در مطبوعات داخلی بسیار از آن اسم برده میشود و بقول خود "کارشناسان" جمهوری اسلامی روند رو به گسترش دارد، فارغ از چند و چون و سودای این به اصطلاح کارشناسان اساساً قبل ازاینکه به عمر جمهوری اسلامی برگردد و زیر بنا فرهنگی اسلامی داشته باشد، خود زائده و همزاد جامعه سرمایه داری و بی عدالتی اجتماعی است.

در جامعه ای که چرخهای اقتصادی براساس استثمار انسان از انسان استوار است و سیستم توزیع بر این مبنا قرار دارد که اقلیتی ناچیز ثروت و سامان و امکانات اقتصادی - اجتماعی را در اختیار دارند و اکثریت عظیم نیز که خود تولیدکنندگان واقعی مادی و معنوی ثروت جامعه هستند از آن بی بهره اند، بستری مهیا می گردد که در آن شکافهای عمیق اجتماعی و اقتصادی شکل می گیرد. هر چه دامنه این بی عدالتی گسترده تر باشد به همان اندازه شکافهای موجود نیز ژرفتر و دامنه دارتر است. درست از همین ژرفای بی عدالتی است که نطفه های ویرانگر فقر، بیکاری، اعتیاد، انحرافات و ناهنجاری های روانی و اجتماعی و فساد و طفیلی گری و از آنجمله نیز فحشا و تن فروشی بر میخیزد.

اما نکته قابل توجه و تامل در بحث خصوصی تر این پدیده های نکبتبار و آنچه به ایران امروز زیر سایه نظام قرون وسطائی جمهوری اسلامی برمی گردد، چهره اسلامی این پدیده هاست که بسیار زشت تر و تنفر برانگیزتر است. امروزه این میوه های تلخ و ثمره های "جامعه توحیدی و قسط اسلامی" آنچنان گریبان جامعه را گرفته است و چهره زشت و نکبت بارش آنچنان عیان تر از همیشه آشکار شده است که شوری آن مزاق متولیان نظام اسلامی را هم گویا تلخ کرده است و به صرافت راه گریزی از آن افتاده اند.

اینان بسیار شیادانه می خواهند فجایعی را که خود آفریده اند و مسبب اصلی آن هستند، به دستمایه ای برای

تطهیر خود و حاکمیت منفورشان تبدیل کنند. اخیراً رفسنجانی در همایش به اصطلاح مبارزه با اعتیاد گفته است: «کار تبلیغی در زمینه کارهای فرهنگی در مبارزه با اعتیاد وظیفه روحانیون است و راه حل اجتماعی برای ریشه کنی این معضل باید انجام گیرد!» و جناب قرائتی نیز زنده کردن دوباره مساجد و احیاء زکات و اخذ آن از مسلمین، سوای مالیات دولتی، را تنها راه مبارزه با فقر و فحشا و تبعیض می نامد.

اینان در حالی روحانیان را پایه اقدامات ریشه ای در مبارزات فرهنگی با معضل اعتیاد و فحشا معرفی می کنند که خود این «طایفه» طفیلی و شر از فاسدترین و بنیادی ترین عامل رشد فساد و گسترش معضل اعتیاد و فحشا و تباهی در جامعه هستند. اینان با این ریاکاری ها و دروغبافی های نفرت انگیز خود و مطرح کردن گوشه هایی از ابعاد وسیع تباهی هایی امروزه ای که در اعماق و گوشه و کنار جامعه به عینه دیده می شود، به زعم خود می خواهند از طرفی دیده ها را از خود دور سازند و از طرفی دیگر خود را بعنوان دلسوختگان جامعه و منجیان آن بر اذهان کور تحمیل کنند.

اما با این وجود و علیرغم همه این تلاشهای مذبحخانه دست از پا درازتر کار به جایی نبرده اند. عملکردهای واقعی و روزانه نظام جمهوری اسلامی خود بسی گویاتر از آنست که دام فریب و نیرنگ و چهره سازی کارساز باشد. این دست رد جامعه را و رنگ باختن حنای دودوزه بازی و شیادی را از لابلائی سخنان هشدار آلود مسئولان و منصوبان مضطرب رژیم دریابیم.

اشرف بروجردی، معاون اجتماعی و امور شوراهای وزارت کشور در جمع مدیران اجتماعی مراکز استانها می گوید: «در طی یک نظر سنجی ۲۳ درصد از افراد جامعه خواهان تغییرات بنیادی و زیر ساختی در حاکمیت جمهوری اسلامی هستند و ۶۷ درصد از پرسش شوندگان خواهان تغییرات تدریجی اند و ۱۰ درصد خواهان وضع موجود. این میتواند زمینه ساز نگرانی و هشدار جدی برای سیاستگذاران باشد.» علیرضا نوری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان می گوید: «اعتیاد، فحشا، بیکاری و طلاق در آینده بارزترین بحرانها را نشان خواهد داد، بحرانهای اجتماعی در راه است.» آیت الله امینی، از دستیاران اصلی خامنه ای در قم می گوید: «جامعه ایران در حال انفجار است. مسئولان خیال نکنند که مردم هرچه می گویند غلط است. اگر این نارضایتی ها اینطور ادامه پیدا بکند. که من این احساس را دارم جامعه و نظام در معرض خطر فرار می گیرند.»

و در واقع همین احساس خطر واقعی است که آب را به لانه مورچگان راهی کرده است. آن فحشا و خودفروشی که نوعاً امروز در جامعه ایران و در زیر سایه حاکمیت شوم جمهوری اسلامی ابعاد وسیعی را تنیده است و مسئولان ریز و درشت و همچنین مطبوعات "مستقل" و دولتی دم به شکوه از آن برداشته اند نه پدیده ای فی البداهه که نوع جدید آن به همان روزهای اولیه رژیم برمیگردد. این پدیده شوم مستقیماً ریشه در سیاستها، اقدامات و اندیشه های متعفن رژیم جمهوری اسلامی دارد که خود نشاء کرده اند. ذیلا به گوشه های از آن اشاره می شود.

کارگزاران جمهوری اسلامی از همان فردای پیروزی انقلاب که وحشیانه و سبکسرانه با چماق و بولدزر به محله های "تن فروشان" هجوم آوردند، در واقع خواستند با شرارت، دنائت خود را در "انهدام" این قربانیان بی پناه پنهان سازند. اینان به جان آنانی هجوم آوردند که با به حراج گذاشتن تن خود چنگ به زندگی درانداخته بودند و از جمله قربانیان نظم موجود بودند که به دامن چنین سرنوشتی ناگوار کشانده شده بودند. دست اندرکاران و روحانیون رژیم با این اقدام کینه توزانه و فرمایشی خود این تک خرابه های نگون بخت را به هزاران نمانده خانه مافیائی و دست آموز رژیم تبدیل

کردند که امروزه با رشد افسار گسیخته و طاعونی به عامل تهدید کننده‌ای در جامعه تبدیل گشته‌اند. حذف زنان در عرصه‌های کار و اجتماع و بیکار کردن آنان و قطع درآمد و نان صدها هزار خانواده که زنان مسئولیت تمامی و یا بخشی از هزینه‌های زندگی خانوادگی را بر عهده داشتند. از اقدامات ارتجاعی و سخیف نظام اسلامی بود که از همان ابتدای حاکمیت برداشته شد. قطعاً این اقدام ویرانگر نقش بزرگی در محروم کردن بخش وسیعی از جمعیت جامعه از توان تولیدی و بهره‌وری و تامین معاش زندگی و کشاندن آنان به دامن فقر و بعضاً تن فروشی داشته است.

پدیده تن فروشی و فحشا و گسترده شدن آن در جامعه با شروع جنگ ویرانگر و ارتجاعی و ادامه هشت ساله آن موضوعیت خاص و جایگاه دیگری را احراز نمود. نمی‌توان از پدیده تن فروشی و فحشا در جامعه امروز ایران صحبت نمود اما به فاکتور جنگ و اثرات آن اشاره‌ای خاص نداشت. متلاشی شدن دهها هزار کانون خانواده، آوارگی، بی خانمانی، پراکنده شدن صدها هزار انسان بی پناه در گوشه و کنار کشور، به تاراج رفتن امکانات نیم بند و اولیه و پیشین زندگی و خلاصه کشته و زخمی شده صدها هزار انسان و نان آوران خانواده همه و همه نقش بزرگی در گسترش تباهیها و ناهنجاریهای اجتماعی از آنجمله فساد و فحشا داشته‌اند که مسئولیت تمامی اینها تماماً و تاریخاً بر عهده رژیم منفور اسلامی است که چنین سرنوشت شومی را از سر خیره سری و تاریک اندیشی برای جامعه تدارک دید.

حاکمان جمهوری اسلامی از همان اوایل و بویژه چند صباحی بعد از شروع جنگ، آزمانی که شمار "خانواده‌های شهدا" رو به تزاید می‌رفت و پوسته‌های شرم آگین تن فروشی دیگر شکسته شده بود و چشم غره‌ها و موعظه‌های دهن‌پرکن کاری را از پیش نمی‌برد، با هذیانهای تب‌آلود و پندارهای شهوت‌آلود خود در بوق و کرنای صیغه، این در واقع فحشای شرعی دمیدند. هاشمی رفسنجانی، سخنوری و کار تئوریزه کردن این مقوله سخیف شرعی را برعهده گرفت و دیگرانی دیگر در مضحکه نماز جمعه‌ها و مطبوعات این "طلیعه روشنائی" را دم به دم باد زدند و از موهبات این داده آسمانی داد سخن راندند. رفسنجانی آنرا به "تیر دو نشانه زن" تشبیه می‌کرد، که هم زن میتوانست پولی عایدش شود و "نیاز شرعی" خود را تامین نماید و هم شکمبارگان اسلامی و جوانان ناامید به تشکیل زندگی به آهی و نوائی تازه می‌رسند.

از ثمره پیوند این شوهران چند ساعته و نگونبختگان درمانده صیغه‌ای، میوه‌های ناخواسته‌ای حاصل شده‌اند که بدون حمایت و پناهی چشم به آینده تاریکی می‌کشایند و یا گشوده‌اند و در درون و جوار لشکریان بی‌شناسنامه و بی‌هویت سر ریز جامعه شده‌اند. تا فردا در میان کارتون خوابها، پلاستیک جمع‌کن‌ها، بزه‌کاران، فراریان و تن‌فروشان و صیغه‌ای‌های نسل جدید سر بر زمین بسایند.

در این تن فروشی شرعی زنان نگونبختی که شوهران ساعتی و لحظه‌ای را در مقابل اندک بیعی می‌پذیرند، مدتی بعد با شکمی برآمده و بچه‌هائی ناخواسته روبرو میشوند، که هیچ‌کس در مقابل آن جز مادر رنج دیده مسئول نیست. این میوه تلخ فرداهائی دیگر نیز بعنوان "حرامزاده" دور باطل دیگری از تن فروشی و بزه کاری را منتظر می‌شود. و یا شاید از سوی شریرترین و فاسدترین تسبیح بدستان عافیت جوی بر دار ارتجاع آویزان شوند و یا اینکه سرشان در میدانهای سنگسار آماج سنگ اندازان کینه‌توز و فاسد قرار بگیرد.

اکنون زائرسراها، قبرستانهای کشته‌شدگان جنگ، خلوتخانه‌های مساجد و مقبره‌ها به محل مناسبی برای این خرید و فروش اسلامی تبدیل شده‌اند. در اینجا زنان ماتم زده‌ای در چادرهای سیاه برای یافتن "جویا"های صیغه‌پرسه می‌

زنند تا در چشم برهم زدنی دید و بازدید شرعی واقع شود و آخوندکان تازه کار با خواندن خطبه صیغه شغل آتی را مزمره میکنند و خود را برای فردای منبر و مسجد آماده می سازند.

در برآورد گزارشات متعددی که در این خصوص و حتی در روزنامه های جمهوری اسلامی گاه و بیگاه آورده شده است، از بسترفقری سخن به میان آمده است که زنان در آن دست و پا می زنند و به صیغه های آشکار و نهان تن می دهند. اینها همگی محصول و دست پخت ایدآلهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اسلامی است.

حاکمان جمهوری اسلامی در طی حاکمیت سیاه خود با شرایط بشدت ناعادلانه اجتماعی - اقتصادی که فراهم کرده اند، با فشارهای مذهبی و اندیشه ها و پندارهای شهوت آلود و ارتجاعی خود، با سرکوبگری، خشونت و درنده خویی، بستری را مهیا کرده اند که در آن آفتهای تباه و تهدید کننده ای همچون بیکاری، فقر، گرسنگی، اعتیاد و فحشا و... تولید و باز تولید می شوند.

اگر این پدیده های شوم اکنون در نظام اسلامی جان سخت تر از همیشه در بطن جامعه موجودند و روندی رو به فزونی دارند، اگر فقر مطلق زندگی اکثریت عظیمی از جامعه را تباه کرده است، اگر رشوه و فساد و طفیلیگری، غارت و چپاول ثروت عمومی جزء لاینفکی از سیاست اداری و اقتصادی دست اندرکاران جمهوری اسلامی تبدیل شده است، همگی از سرچشمه خود نظام اسلامی و بنیادهای فکری آن مایه گرفته است. بدون حذف و خشکانیدن این بنیاد و اساس تباهیها، هیچ امیدی به حتی کاهش این معضلات تهدید کننده امروزه و عینی جامعه نمیتوان داشت.

برگرفته از «جهان امروز» شماره ۸۶